

# عاشق داعشی من!

نویسنده: هاجر عبدالصمد  
مترجم: مهدیه داودی رکن آبادی

بیت

## مقدمه مترجم

تا وقتی بشر با رویش بوته‌ای در بیابان، روح تازه کند،  
می‌توان به نجاتش امید بست!  
(نهر مسیح)

رمان «خاطر خواه داعشی من» نمونه‌ای از ادبیات جنگ با زیرلایه‌های روابط انسانی است؛ روابطی که شاید دولت‌ها یا سیاست‌ها کمتر قادر به درک آن باشند.

نفس کشیدن در خفقان، دوست داشتن و عشق ورزیدن در فضایی پراز تنفر، هنر شخصیت‌های این قصه است. شخصیت‌هایی نه کاملاً سیاه و نه سفید؛ خاکستری؛ درست مثل آدم‌های واقعی و بدون روتوشی که در اجتماع می‌بینیم.

قهرمان این قصه اما نگاه سیاسی متفاوتی با آدم‌های جامعه ما دارد. اگرچه در رمان بر این وجه سیاسی تأکید نشده، اما جدا از آن هم نیست. بسیاری از کسانی که در تعریف جنگ، آن را نوعی خشونت اجتماعی تلقی می‌کنند، اما

نمی‌بینند این خشونت سیاسی است که به اسم جنگ نمود اجتماعی می‌یابد؛ خشونتی که دولت‌ها و سران قدرت طلب به آن دامن می‌زنند و مردم به ناچار در آن نقش بازی می‌کنند. این چنین، تا زمانی که باطل وجود داشته باشد، ظاهراً جامعه ناگزیر به دفاع خواهد بود.

شاید هیچ جامعه‌ای که درگیر جنگ باشد را نتوان یافت که روابط انسانی در آن به کلی رنگ باخته باشد، حتی اگر سال‌ها در جنگ غوطه‌ور بماند، تا آن‌جا که گاهی اثر آن به قدری عمیق است که بشر را از گرداب روزمرگی و عادی‌انگاری به توجه دوباره به هستی سوق می‌دهد. به این ترتیب ادبیات جنگ، در همه‌جای دنیا، آن‌جایی درخشان‌تر جلوه می‌کند که از دریچه روابط انسانی جنگ را مرور کرده باشد و این ویژگی این زمان است.

در برگردان واژه‌ها سعی شده است به نقش پرنسپل گفت‌وگوها در توصیف فضای داستان توجه شود تا برای مخاطب دلچسب‌تر جلوه کند.

مهدیه داودی رکن‌آبادی (نهر مسیح)

---